

مسیحیت چه نظری در مورد حکومتها دارد؟

شخص مسیحی باید چه دیدگاهی در خصوص حکومت مملکتها داشته باشد؟ خوشبختانه پولس رسول به این سؤال پاسخی بسیار صریح و مستقیم می‌دهد. می‌فرماید: «هر کس باید تسلیم قدرت‌های حاکم باشد، زیرا هیچ قدرتی جز از سوی خدا نیست. قدرت‌هایی که وجود دارند، از جانب خدا مقرر شده‌اند. پس آن که بر علیه قدرتی عصیان کند، در حقیقت علیه آنچه خدا مقرر کرده، عصیان ورزیده است؛ و آنان که چنین می‌کنند، مجازات را برای خود می‌خرند.» (رومیان ۱۳: ۱-۲). در اینجا، پولس رسول به صراحت تعلیم می‌دهد که حکومت امپراطوری روم از سوی خدا مقرر شده بوده است، همان حکومتی که مسیحیان را تحت هولناک‌ترین آزارها قرار می‌داد. مسیحیان باید توجه داشتند که هیچ حکومتی بدون اجازه خدا بر سر کار نمی‌آید. این را نه فقط پولس رسول می‌فرماید، بلکه در جاهای مختلفی از عهدعتیق نیز به آن اشاره شده است. اگر به فرموده خداوندگار ما عیسی مسیح، حتی یک گنجشک نیز بدون اجازه پدر آسمانی بر زمین نمی‌افتد (متی ۱۰: ۲۹)، پس آیا امکان دارد که حکومتی بدون اجازه خدا سرنوشت یک ملت را در دست بگیرد؟ در اینجا است که پی می‌بریم شیطان چه دروغ بزرگی در باره حکومت‌های جهان به مسیح گفت که «من همه این قدرت و تمامی شکوه اینها را به تو خواهم بخشید، زیرا که به من سپرده شده است و مختارم آن را به هر که بخواهم بدهم...» (لوقا ۴: ۶). پس چه کفرآمیز است که بگوییم حکومت مملکتی از جانب شیطان مقرر شده است و آن را شیطانی بنامیم. پطرس رسول که در امپراطوری روم زندگی می‌کرد، به ایمانداران چنین اندرز می‌دهد: «به خاطر خداوند، تسلیم هر منصبی باشید که در میان انسان‌ها مقرر گشته است، خواه پادشاه که مافوق همه است، و خواه والیان که مأمور اویند... همگان را حرمت بدارید، برادران را محبت کنید، از خدا بترسید و به پادشاه احترام بگذارید.» (اول پطرس ۲: ۱۳-۱۴، ۱۷). بسیار جالب است که پطرس رسول این اندرز را درست در رساله‌ای می‌دهد که در آن به جفاها و آزارهای هولناک امپراطوری روم اشاره می‌کند (ر.ک. ۱۲: ۴-۱۹). پولس رسول از این نیز جلوتر رفته، می‌فرماید: «بنابراین، پیش از هر چیز، سفارش می‌کنم که مؤمنان درخواستها، دعاها، شفاعت‌ها و شکرگزاری‌ها را برای همه مردم به جا آورند، از آن جمله، برای حاکمان و همه صاحب‌منصبان تا بتوانیم زندگی آرام و آسوده‌ای را در کمال دینداری و وقار بگذرانیم.» (اول تیموتائوس ۲: ۱-۲). طبق این حکم، مسیحیان نه تنها نباید از حکومت‌ها و مقامات حکومتی بد بگویند، بلکه باید برای آنها دعا کنند و حتی شکرگزاری به عمل آورند. متأسفانه در برخوردهای متعددی که با ایمانداران در نقاط مختلف داشته‌ام، متوجه شده‌ام که ایشان اکثراً نگرش و دیدگاه درستی از کلام خدا در باره حکومت‌های ممالک ندارند. ایشان از نحوه اداره مملکت به دست رهبران آن گله و شکایت می‌کنند، و گاه حتی کار را تا آنجا پیش می‌برند که این حکومت‌ها را لعن و نفرین می‌کنند. این امر یک بیماری روحانی است. باید بگوییم که چنین کاری صد در صد بر خلاف اراده خدا است. پولس رسول فرموده: «برای کسانی که به شما آزار می‌رسانند، برکت بطلبید؛ برکت بطلبید و لعن نکنید.» (رومیان ۱۲: ۱۴). این حکم، هم در مورد افراد صادق است و هم در مورد حکومت مملکت. بسیاری از مسیحیان، آزارهای اطرافیان خود را تحمل می‌کنند و برای آنان دعای خیر می‌نمایند، اما همین افراد آزارهای حکومت را تحمل نمی‌کنند، همان حکومتی را که از سوی خدا مقرر شده است. در اینجا لازم است فرمایش مسیح را به یاد آوریم که فرمود: «اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را محبت نمایید و برای

آنان که به شما آزار می‌رسانند، دعای خیر کنید تا پدر خود را که در آسمان است، فرزندان باشید.» (متی ۴۴:۵-۴۵). آیا می‌دانید شاگردان مسیح و شنوندگان او در آن لحظه، با شنیدن این گفته، چه کسانی در



نظ
ر
ش
ا
ن
م
ب
۴
۶
۱
؟
د
ق
۱۰

اً مأموران و سربازان امپراطوری روم! بله، مسیح فرمود که پیروانش می‌بایست مقامات و مأموران و سربازان رومی را محبت نمایند و برای ایشان دعای خیر کنند. آیا شما تا به حال برای حکومت مملکت دعای خیر کرده‌اید؟ آیا برای صاحب‌منصبان مملکت شکرگزاری به‌عمل آورده‌اید؟ آیا از خدا برای رهبران مملکت خود طلب برکت و هدایت کرده‌اید؟ این است نگرش درست مسیحیان نسبت به حکومت مملکت. هر نگرش و حالت دیگری، برخلاف کلام خدا است. آخرین باری که برای رهبران کشور دعا و شکرگزاری به‌جا آوردید، کی بود؟
نویسنده: آقای آرمان رشدی